

مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی تجلیات باغ عرفانی در معماری سنتی ایران و شعر خلوت دل حکیم نظامی گنجوی*

الهام نبئی

پژوهشگر دکتری، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

اسداله شفیعیزاده**

دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

شبیم اکبری نامدار

استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵ تاریخ فرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده هنرهای سنتی ایران، در تجلی‌های مختلف، به مضامین مشترکی اشاره دارند که ریشه در مبانی اندیشه‌ای خالقان آن هنرها دارد. با بررسی هنرهای مختلف مشاهده می‌شود، مفهوم باغ به فراخور هر هنری تجلی متفاوتی داشته است. به طوری که با حذف باغ از این هنرها، اساس این هنرها زیر سؤال می‌رود و به نظر می‌رسد عنصر مهمی از این هنرها که منظور هنرمند آن بوده، حذف شده است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که علت ظهور متداوم باغ در این هنرها چیست؟ به نظر می‌رسد علت تجلی متداوم «باغ» در هنرهای مختلف که حضوری به صورت زمینه‌ای و نه الحاقی دارد، ریشه در اندیشه بانیان این هنرها دارد. هدف از انجام این پژوهش که از نوع کیفی و با رویکرد استقرایی است، بررسی ساختار فکری و حکمی خالقان هنر سنتی ایران، به جهت منظور این هنرمندان در به تصویر کشیدن متداوم باغ (طبیعی و تجربی) در معماری است. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی بوده و با کدگذاری متون، شاخص‌های تحلیل استخراج شده، با روش تفسیر نقلی تفاسیر شعر به معماری تسری داده شده و شاخص‌های به دست آمده اعتبارسنجی شد. در مرحله بعد تجزیه و تحلیل، نمود باغ درون در هنر معماری با استدلال عقلی انجام شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد هنرمندان عالم سنت (در مرتبه استادی) عارفانی بودند که به مقام شهود غیب نائل آمده، در فضای باغ دل (باغ درون) به ملاقات عارفانه رسیده‌اند. در نتیجه این سلوک معنوی معمار عارف، محصول معماری خویش را توسط شاخص‌های درون‌گرایی و سایر موارد، محملی برای تذکار مخاطب و ایجاد حالت تفکر در او کرده و در صدد نمایان ساختن عالمی و رای حس است. نتیجه این موارد ایجاد فضای باغ در بناهای سنتی ایران است. این نتیجه‌گیری، هنر اسلامی ایران را از شکل‌گرایی، تزئینی بودن صرف و بی‌محتوایی می‌رهاند.

واژگان کلیدی فتوت‌نامه، درون‌نگری، سلوک هنرمند، عالم خیال و مثال، باغ عرفان.

مقدمه هنرهای سنتی ایران، در تجلی‌های مختلف خود، به مضامین مشترکی اشاره دارند که ریشه در مبانی اندیشه‌ای خالقان آن هنرها دارد. با مطالعه آثار هنر ایرانی مشاهده می‌شود مسئله مشترک اغلب هنرهای شرقی و به خصوص هنرهای اسلامی، مسئله باغ و نقوش گیاهی است. نمود باغ در هنرهای نظیر فرش، تذهیب، نگارگری قابل ملاحظه است و به فراخور قابلیت، اغلب هنرها جلوه‌هایی از باغ را نمود کرده‌اند. مسئله این طرح، پاسخ به چرایی و چگونگی نمود متداوم باغ در هنرهای سنتی و ریشه‌یابی علل تجلی

آن در حوزه معماری است. اهمیت و تداوم ظهور باغ در هنرهای سنتی عالم اسلام و نیز در غالب هنرهای شرقی بیانگر این است که این امر منشأ فکری داشته و صرفاً برای فضا سازی و تزئین به کار نرفته و عنصری الحاقی نبوده است، به گونه‌ای که با حذف باغ از این هنرها زیرساخت اساسی هنرها از دست می‌رود. هدف از انجام این پژوهش که از نوع کیفی و با رویکرد استقرایی است، بررسی مفهوم «باغ» به مثابه ریشه مشترک فکری در میان هنرهای سنتی ایرانی - اسلامی و تبیین علل و نحوه تجلی متداوم باغ (طبیعی یا تجربی) در هنر معماری (از دیدگاه عرفانی) است. به همین منظور لازم

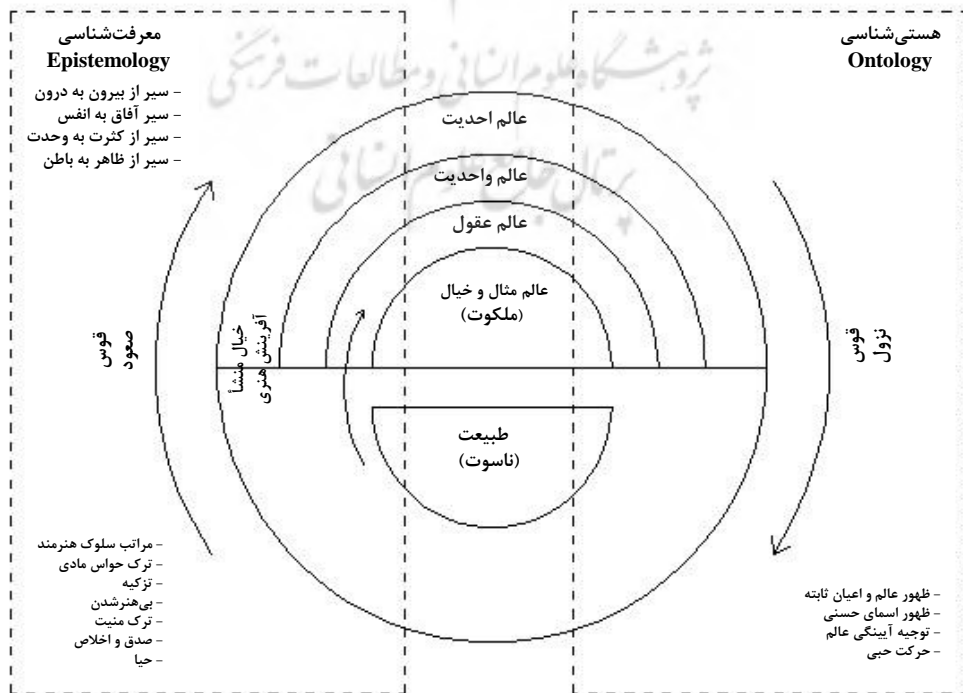
** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۴۳۱۵۳۷۴۷ Shafizade.a@gmail.com

روش تحقیق

این تحقیق از نوع کیفی و از جمله تحقیقات نظری و بنیادی است که داده‌های آن به طریق کتابخانه‌ای و مراجعه به متون و اسناد جمع‌آوری شده و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی و با رویکرد استقرایی جزء به کل انجام شده است. در این روش مقولات مورد تحلیل با کدگذاری متون استخراج و سپس اعتبارسنجی شده است. تداوم تجلی باغ در هنرهای سنتی ایران از جمله معماری، تأثیرپذیری این نحوه تجلی را از مبادی حکمی و اندیشه‌ای روشن می‌سازد. در این طرح، در مرحله نخست پیش‌فرض «پیوند عرفان و هنر» در این هنرها بررسی شد. بر طبق این پیش‌فرض عالم هنر و عرفان با هم مرتبط بودند و عرفان تأثیر مستقیم بر عالم هنر و هنرمندی داشت. این مسئله در این پژوهش به صورت متغیر ثابت در نظر گرفته می‌شود. در مرحله بعدی مقوله عالم مثال، یکی از مهم‌ترین ارکان حوزه عرفان، مطالعه شد. هنر و معماری، تحت نام‌های سیر از ظاهر به باطن، سیر از آفاق به انفس و ... مطرح می‌شود، روح پالایش یافته عارف (که در این بحث همان هنرمند در مقام استادی است)، قدرت تعالی و تصاعد به مراتب بالاتر و مکاشفات غیبی را می‌یابد. در این فراروند صعودی، شروط ترک حواس برای عروج معنوی عارف شامل ذکر، ریاضت، تزکیه، بی‌هنری و سایر موارد است. این بخش ذیل مباحث معرفت‌شناسی قرار می‌گیرد که در تصویر ۱ به آن اشاره شده است.

در معماری، معمار عارف برای ایجاد حالت معنوی در مخاطب و یاری‌رسانی جهت بالفعل شدن قوه خیال او، برای رسیدن به عالم مثال و خیال، سعی در بازگرداندن او به حالت فطری (بیدار کردن فطرت)، ایجاد حالت خودیابی، خودآگاهی و درون‌نگری در وی می‌کند. در این پژوهش با در نظر گرفتن وحدت فکری هنرمندان

است تا در ابتدا میزان تأثیرگذاری مبادی عرفانی بر هنر و معماری سنتی، شروط پیوستن به صنف هنرمندان در جامعه سنتی و جایگاه آفرینش هنر سنتی که عالم خیال است به منزله پیش‌فرض مورد مذاکره قرار گیرند تا مبانی اندیشه‌ای هنر سنتی روشن شود. این موضوع مرتبط با مباحث حکمی بوده، بنابراین بدون شناخت فکر و اندیشه مربوط به این هنرها، تفسیر درستی از مبانی هنر اسلامی انجام نمی‌شود. مهم‌ترین اسناد جهت مطالعه موضوعات اندیشه‌ای و حکمی در چهار دسته‌بندی شامل منابع فقهی، اصول، کلام و متون عرفانی قرار می‌گیرند؛ در سه حیطه نخست مطالب چندانی راجع به هنر عنوان نشده است، اما در مباحث عرفانی راجع به مبانی هنر مطالبی قید شده است و به نظر می‌رسد از این منابع بتوان برای جستار راجع به دلایل به کارگیری مفهوم «باغ» در هنرهای سنتی دوران اسلامی به نتایج دست یافت. لیکن ورود مستقیم به مباحث عرفانی به جهت فهم اندیشه حاکم بر اذهان هنرمندان اعصار گذشته، امکان‌پذیر نیست. چراکه در حال حاضر، مباحث علمی اغلب بر پایه اصول مدرنیته کانت است و روش اثبات‌گرایانه^۱ مقبولیت عام دارد و در جایگاه هنر امروزی که تفکر مدرن در آن غالب است، دریافت مبانی حکمی و ریشه‌یابی تفکر سنتی به سختی ممکن بوده و این موضوع محدودیت و مشکلات کار را مضاعف می‌کند. لذا برای اثبات فرضیه، به هنری رجوع شد که مستندات و تفاسیر مربوط به آن در دسترس بوده و قابل استناد است. با مطالعه تفاسیر حکمی هنرهای مختلف، هنر شعر برای اعتبارسنجی یافته‌ها انتخاب شد. اشعار متعددی به باغ عرفان اشاره داشته‌اند، لیکن شعر «باغ دل» نظامی گنجوی به دلیل شرح مبسوط مراحل سلوکی و نحوه وصول به باغ دل و بیان خصوصیات این مکان، انتخاب شده و به تفاسیر آن رجوع شده است.



تصویر ۱. ابعاد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی هنر سنتی. مأخذ: نگارندگان.

عرصه‌های مختلف هنری در جوامع سنتی گذشته، برای استخراج تعابیر و تفاسیر موضوع «تجلی باغ» در هنر معماری و اعتبارسنجی تفاسیر، به شروح و تفاسیر «باغ» در هنر شعر رجوع شد. در قسمت تسری و تطبیق تفسیر باغ در هنر شعر به باغ تجلی‌یافته در هنر معماری، به جهت استنباط از مبادی تصویری و تصدیقی این دو هنر، تفسیر به روش استقرایی و از نوع عقلی است.

مبانی نظری

باغ در معماری سنتی ایران از دو جهت عینی و ذهنی قابل مطالعه و بررسی است. جنبه عینی و کالبدی این موضوع مورد تفحص و مطالعه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است و کتب، مقاله‌ها و رساله‌های متعددی در این باره نگارش شده است، اما از باب ذهنی و بُعد حکمی، تحقیقاتی که در راستای این موضوع انجام شده نیز معطوف به چرایی حضور برخی عناصر و نحوه شکل‌گیری باغ عینی شده‌اند. لذا در خصوص این بحث، ورود به اسنادی با مضمون «باغ عرفان» در حیطه معماری، طرح را به نتایج موردنظر نخواهد رسانید و با توجه به اینکه مباحث حکمی هنر در عالم اسلام بیشتر در متون عرفانی مطرح شده‌اند، لذا مستندات لازم، در این منابع جستار خواهند بود تا مبانی اندیشه‌ای هنرمندان هنر سنتی و نحوه خلق اثر هنری نزد ایشان و علت تداوم «تجلی باغ» مکشوف شود. به همین منظور به منابع در سه حوزه «پیوند عرفان و هنر»، «شرح مراتب عرفانی» و «مفهوم باغ از منظر حکمی» رجوع شد. ریخته‌گران (۱۳۸۵) در مقاله «انفطار صورت: هنر و تحقق حقیقت» به این نتیجه می‌رسد که عرفان محتوای هنر اسلامی است. جوهر عرفانی و جوهر الهی، اصل هنر در تمدن شرقی است. نوعی پیوند ذاتی و ماهوی میان هنر و عرفان وجود دارد و عرفان ذات هنر است. ابراهیمی دینانی (۱۳۸۱) در مقاله «ادراک خیالی و هنر» اذعان می‌دارد آفرینش هنری به واسطه ادراک خیالی رخ می‌دهد و هنرمند در کار هنری بیش از مردم دیگر با قوه خیال و عالم معنا سروکار دارد. لذا تبیین مفهوم عالم خیال و ارتباط آن با هنر و هنرمند اسلامی ضروری است. از کتب معتبر و جامع در این موضوع «مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی» نوشته حسن بلخاری قهی (۱۳۹۴) است که در دفتر دوم «کیمیای خیال» مفهوم خیال در اندیشه شیخ اشراق و ملاصدرا را به رشته تحریر در آورده است. اسماعیل بنی اردلان در کتاب «معرفت‌شناسی آثار صناعی، جستجویی در مفهوم فن و هنر» با بررسی خیال اذعان می‌دارد هنرمند حقیقی شخصی است صاحب مهارت و توانایی که با ابداع اثر هنری سعی در تقرب به معبود خویش را دارد و با طمی مراتب سلوکی است که صاحب فضیلت، نیک‌مردی و فتوت می‌شود. بنابراین مفهوم و معنای هنر در اندیشه اسلامی اساساً نوعی سیر و سلوک معنوی است و هنر نوعی بیان معرفتی نسبت به حقیقت مطلق است. آذرفر (۱۳۹۲) در رساله خود «قوه خیال و عالم خیال: منشأ آفرینش اثر هنری در هنر اسلامی» به صورت مبسوط ارتباط هنر اسلامی را با قوه خیال

تبیین کرده و با مطرح کردن بحث فتوت، آفرینش هنری را نتیجه سیر عرفانی هنرمند معرفی می‌کند. در این سیر و سلوک هنرمند از طریق تزکیه روح و تطهیر قوه خیال خویش می‌تواند آن حقیقت را مشاهده کند و در اثر متجلی کند. ماریا اوا سابتلنی (۱۳۸۷) نیز در مقاله «گلشن راز؛ باغ ایرانی و بیان شاعرانه عرفان» ورود عارف به عالم مثال را به باغ تشبیه کرده و بهترین بیان عارفانه برای این سیر و سلوک را شعر دانسته است که در عین پرده‌پوشی از رازهای عرفان و سلوک پرده بر می‌دارد. با وجود تعدد منابع و پژوهش‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهشی که مفهوم باغ از منظر حکمی و فلسفی را در حیطه معماری مورد تفحص قرار داده باشد، انجام نشده است و این امر جهت آشنایی با هویت ملی و جلوگیری از تفسیرهای نادرست از میراث بجا مانده از پیشینیان ضروری به نظر می‌رسد.

• هنر و هنرمندی

یکی از مقوله‌های مهم ماهیت هنر اسلامی، ارتباط میان هنرمند و اثر هنری با فلسفه، عرفان و حکمت اسلامی است (آذرفر، ۱۳۹۲، ۱). واژه هنر علاوه بر آنکه در متون کهن به معنای نیکی، فضیلت و درجات کمال معنوی و اخلاقی انسان به کار رفته، گاه در معنایی معادل و مترادف با فن و صنعت نیز استعمال شده است. خواجه نصیرالدین طوسی در فصل «سیاست و تدبیر اولاد» در اخلاق ناصری در مورد چگونگی آموزش فنون و صناعات به فرزندان چنین می‌گوید: «باید که در هر فنی بر استیفای آنچه تعلق بدان فن دارد، از جوامع علوم و آداب تحریض کنند؛ چه قصور همت در اکتساب هنر شنیع‌ترین و تباه‌ترین خصال باشد» (حکمت، ۱۳۹۳، ۱۸۹). ملاحظه می‌شود، واژه‌های فن، صنعت و هنر تقریباً به یک معنا به کار رفته است. بنابراین می‌توان گفت معنای پیشین هنر، بسیار وسیع‌تر از معنای امروزی آن است. زیرا هم در معنای «فضایل انسانی» و هم در معنای «صناعت» به کار می‌رفته است.

• فتوت

هنر در عالم اسلام در بستر تصوف و عرفان رشد کرده که رجوع به متون تاریخی گواهی بر این مدعا است. بهترین مستندات تاریخی در این زمینه فتوت‌نامه‌ها هستند. در جامعه سنتی اسلامی همه هنرها منشأ آسمانی و ماهوی داشتند و کسی پیش خود هنرمند نمی‌شده است. بلکه افرادی که قصد پیوستن به صنفی و آموختن علوم و فنون آن صنف را داشته‌اند، باید سال‌ها در نظام آموزشی که رکن اصلی آن استاد و اهل سیر و سلوک بوده است، در جایگاه شاگرد کسب مهارت و دانش می‌کردند. این مهارت صرفاً به تکنیک و زبردستی اطلاق نمی‌شد، بلکه شاگرد نزد استاد به رموز و اسرار نهفته در آن حرفه و نیز نظریه‌های جهان‌شناختی و متافیزیکی لازم آگاه می‌شد (خزایی، ۱۳۸۷، ۱۸).

از یافته‌های این بخش که از سه حوزه مطالعاتی شامل فتوت‌نامه‌ها، صاحب‌نظران و اشعار مرتبط به دست آمده است، این نتیجه گرفته می‌شود که فضای حاکم بر هنر سنتی در قرون چهارم به بعد در بستر عرفان شکل گرفته است و مستقیماً از مضامین و اندیشه‌های

• **عالم خیال؛ منشأ آفرینشگری هنرمند**

اهل حکمت در تعریف عالم مجرد آن را جهانی منزله از ماده و مقدار می‌دانند که نه در ذات و نه در فعل به ماده نیازی ندارد. از سوی دیگر عالم ماده سخت محدود و ظلمانی است. طبق نظر اهل فلسفه «ظفره»، محال بوده و باید میان عالم نورانی مجرد محض و عالم تاریک ماده یک جهان دو وجهه‌ای مانند آینه، که از یک سو سخت نورانی و شفاف و از سوی دیگر سخت ظلمانی و کدر است، وجود داشته باشد. لاهیجی در بحث از این عالم می‌گوید: «شراقیین و صوفیه معتقدند که مابین عالم عقلی که عالم مجردات محض و عالم حسی که عالم مادیات محض است، عالمی است که موجودات آن عالم مقدار و شکل دارند، اما ماده ندارند. پس مجردات محضه، مجردند از ماده و مقدار و مادیات محضه متلبس به ماده و مقدار هستند. اما موجودات این عالم (عالم مثال) مجرد است از ماده و متلبس به مقدار است. مانند صور خیالی، لیکن صور خیالی متحقق در ذهن اند نه در خارج و عالم مثال، متحقق است در عالم خارج و این عالم واسط است بین العالمین» (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵، ۲۱-۲۳). در تصویر ۲ سلسله مراتب عالم وجود نشان داده شده است.

• **آفرینش هنری**

نیرو یا قوه‌ای که انسان توسط آن قادر است به عالم مثال وارد شود

بلند عرفانی اشراب می‌یافت. بدین ترتیب، تصوف و عرفان همواره در بطن حکمت هنر اسلامی در ایران حضور داشته است. هنر، پیشه و ارتباطش با مفاهیم آموزشی از طریق نظام‌های اخلاقی که از طریق فتوت‌نامه‌ها جریان داشت، نوعی سیر و سلوک در مسیر قرب الهی بوده است (جدول ۱). سلوک و رسیدن به مقام شهود، غایت مراتب ریاضت و مجاهدت عارف بود که در ادامه به تأثیر آن بر خلق اثر هنری پرداخته خواهد شد.

• **سیر و سلوک هنرمند و رسیدن به عالم خیال**

کشف مواجهه با باطن است و باطن انسان توان کشف و شهود را دارد، در این صورت برای حصول کشف و شهود، باید سیر باطن کرد و یک‌به‌یک مراتب روحانیت و معنویت را پیمود. اما شرط آن ناپودی قوای حسی ظاهری است. این تلقی نوعی دیدگاه درون‌گرا را القا می‌کند. صعود و عروج، مراجعه به درون است: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۰۵) اگر عارف حال خود را با بیانی زیبایی‌شناسانه و به مدد صورت‌های خیالی بازگو کند که نظیر همین حال برای مخاطب نیز پدید آید، پای در وادی هنر نهاده است (باوندیان، ۱۳۸۹، ۸۱). حال باید دید عالم معنایی که هنرمند عارف در سیر کشفی خود به آن می‌رسد و پرده از اسرار آن بر می‌دارد چه جایگاه و خصوصیتی دارد؟

جدول ۱. ارتباط هنر و عرفان در سنت شرقی (و ایران). مأخذ: نگارندگان.

متغیر	مستندات	بحث
فتوت‌نامه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - فتوت‌نامه بنایان (خانمحمدی، ۱۳۷۰) - رساله معماریه (افندی، ۱۳۸۹) - رساله صناعیه (میرفندرسکی، ۱۳۸۷) - فتوت‌نامه زرکوب تبریزی - فتوت‌نامه عبدالرزاق کاشانی - فتوت‌نامه کرکهری - فتوت‌نامه سهروردی 	<p>هنرمند (هنر): جوانمرد، فتی؛</p> <p>براساس فتوت‌نامه‌ها اصل و ریشه حرف و فنون باید به یک منشأ آسمانی برسد و هر که طالب فراگیری پیشه‌ای باشد ابتدا باید وارد جرگه فتیان شده و قبل از یادگیری فنون پیشه، مبادی عرفانی را طی کند (کاتب و شمیلی، ۱۳۹۱، ۱۰۰).</p>
نظر ال‌دی‌مندان	<p>اخوان الصفاء</p>	<p>هر انسانی صنعتگر ناگزیر از داشتن استاد است که از او صنعت یا علمی آموزد. در واقع استاد قوه نهفته در نفس صنعتگر را بر می‌انگیخت تا آن را به مرحله فعل رساند (الشیخلی، ۱۳۹۹، ۸۵).</p>
فتوت	<p>هانری کربن</p>	<p>وی در مقدمه کتاب اصفهان تصویر بهشت اثر هنری استرلین (۱۳۷۷) می‌نویسد: «اکثر بناهای باعظمت ایران به دست اهل فتوت بنیان گرفته‌اند.»</p>
	<p>لوتی ماسینیون</p>	<p>اساس ورود به هر یک از اصناف صنعت‌کاران بر پایه مجموعه‌ای از مراسم رمزی استوار بوده و آن بر فتوت تکیه دارد (خزایی، ۱۳۸۷، ۱۸).</p>
انتقار	<ul style="list-style-type: none"> - که هفتاد و دو شد شرط فتوت/ یکی زان شرطها باشد مروت (عطار نیشابوری، بی.تا) - هر سحر بسمله یله آچیلورد کانمیز/ حضرت سلمان پاک‌دور بیریمیز/ استاد یمیز (صبح، مغازه ما یا نام خدا باز می‌شود و حضرت سلیمان پاک، پیر ما است) (گولپینارلی، ۱۳۷۹، ۱۳۵) - هم‌نشین اهل معنی باش تا/ هم عطا یابی و هم باشی فتا (مولوی، ۱۳۷۳، ۷۱۱) - بی پیر مرو تو در خرابات/ هر چند سکندر زمانی (مولانا به نقل از گولپینارلی، ۱۳۷۹، ۱۹۲) - از دل و جانت نگه دار ای پسر/ حرمت استاد و لالا و پدر (مولانا به نقل از گولپینارلی، ۱۳۷۹، ۱۹۲) 	<p>با مطالعه و بررسی فتوت‌نامه‌ها که توسط گروهی به نام فتیان ایجاد شده‌اند وجه اشتراکی در همه آن‌ها محرز می‌شود که بر طبق آن در گذشته ملین هنرها و اصناف و پیشه‌ها تفاوتی نبوده است. همچنین هر کس که در آن پیشه در تبحر صنفی شود و پیشه‌ای اختیار کند، باید نزد استادش و در عین حال در آن پیشه در تبحر کامل بود. ابتدا مراحل سلوک و فتوت را طی می‌کرد و سپس فنون آن پیشه و صنعت را فرا می‌گرفت. در راستای مطالعات این نتیجه به دست می‌آید که در گذشته، هنرهای ایران و البته همه اصناف از سرچشمه عرفانی اشراب می‌یافتند و هنرمند شدن مسبوق به قرار گرفتن در مسیر عرفان و طی مبادی آن بود.</p>

تجزیه و تحلیل «تجلی باغ دل» در معماری

باور و اعتقاد به سلسله عوالم وجودی تأثیر به‌سزایی در هنر و معماری سنتی ایران داشته است. مراتب این عوالم شامل عالم احدیت، عالم واحدیت، عالم عقول، عالم مثال و عالم طبیعت (ناسوت) است. تحولی که در زمینه خلق هنر قدسی (هنر سنتی) اتفاق می‌افتد، صعود معنوی هنرمند (معمار) از عالم طبیعت و ماده به عالم ملکوت (عالم مثال) است. قرار گرفتن در این سیر صعودی مستلزم این است که فرد بتواند حواس مادی را کنار گذارد (اعتزال از حواس؛ «موتوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا»^۴ (مجلسی، ۱۳۶۲، ۵۹)؛ این مطالب در اغلب هنرهای شرقی مشترک است). در متون عرفانی سالک برای ترک حواس مادی لازم است پیش شرط‌هایی را به انجام رساند از جمله تزکیه درون، ریاضت، ذکر گویی و غیره که دل هنرمند را صافی کرده است، او را مستعد سیر از بیرون به درون می‌کند (جداول ۲، ۳ و ۴). این بخش با عنوان آموزش‌های اخلاقی اولیه و مقدماتی جهت هنرمند شدن در عالم هنر سنتی (تحولات بیرونی هنرمند) بررسی می‌شود. در نتیجه آموزش‌های مقدماتی طالب هنر، صعود به عالم مثال (با نائل آمدن به مقام استادی) و شهود با چشم غیب میسر می‌شود. ویژگی‌های صور خیالی و کلیدواژه‌های عالم مثال که جایگاه تجلی «باغ درون» بر دل عارف هنرمند و منشأ شکل‌گیری هنر سنتی است، از طریق منابع حکمی و اعتبارسنجی و تحلیل آن با اتکا به شعر «باغ دل» حکیم نظامی گنجوی و سایر اشعار (جداول ۵ و ۶) انجام شده است. در نهایت با تحلیل مقولات، باز نمود تجلیات عرفانی «باغ دل» که شامل سه حوزه درون‌گرایی، باغ طبیعی و باغ تجربیدی است، تبیین شده است (جدول ۷).

• مرتبه نخست: آموزه‌های اخلاقی

در اعصار گذشته و در جامعه سنتی ایران، مابین هنرها و سایر پیشه‌ها تفاوتی نبود و کسی که می‌خواست پیشه‌ای اختیار کند، باید در نظام آموزش استاد-شاگردی قرار گرفته، نزد استادی که آشنا به رموز عرفانی بود ابتدا با ریاضت و تذکار به تهذیب نفس پرداخته است و سپس فنون و تکنیک‌های آن پیشه را فرا می‌گرفت. نظام تأثیرگذار بر این قسمت، بحث «فتوت» است که ارتباط مستقیم با «تذکار» دارد. طبق کدگذاری در این مرحله، زیرمقولات ذکر، تزکیه، تواضع و سایر موارد در زمره شاخصه‌های تحلیل این بخش استخراج شده که منطبق با شروط سلوک عرفانی عارف در منابع حکمی و البته شعر «باغ دل» نظامی گنجوی است (تصویر ۳).

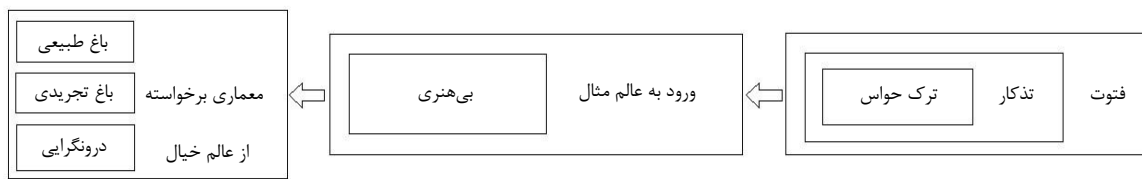
- اعتبارسنجی مرحله اول با استناد به شعر «باغ دل» حکیم نظامی گنجوی

همان‌طور که در روش‌شناسی تحقیق اشاره شد، اعتبارسنجی مقولات و شاخصه‌های تحلیلی باغ تجلی‌یافته در معماری که با کدگذاری متون استخراج شده‌اند، از طریق تطبیق شروع و تفاسیر باغ (با مضمون باغ عرفانی) در هنر شعر انجام می‌شود. شرط اول از



تصویر ۲. الگوی چرخه خیال، ابن عربی. مأخذ: صادقی دهلان، ۱۳۹۸، ۴۵.

و وقایع آن را درک کند «دل» اوست. دل محل حس جان است و آنچه را که دل درمی‌یابد به یاری نیروهای باطنی انسان چون خیال متصل است که می‌تواند تصویر امور عالم جان را در دل منعکس کند. برخی انسان‌ها به یاری خیال منفصل، به این عالم عروج می‌کنند و امور آن را درک و مشاهده می‌کنند. این نگرش از عالم مثال و قوه خیال علاوه بر تبیین نحوه کشف و شهود عرفانی به نوعی می‌تواند زمینه‌ای برای طرح مبانی نظری هنر از جمله شعر فراهم آورد. همچنین از دیدگاه ابن عربی همت (عنایت الهی) عامل خلق صور توسط عارف است «وَالْعَارِفُ يَخْلُقُ بِالْهِمَّةِ مَا يَكُونُ لَهُ وُجُودٌ مِنْ خَارِجِ مَحَلِّ الْهِمَّةِ»^۳ (ابن عربی، ۱۳۸۹، ۸۸) و تفاوت آن با آفرینشگری تخیل این است که تخیل قادر به خلق چیزهایی هست که جز در قوه خیال وجود ندارند، اما عارف صاحب دل را، نیرو و قدرتی است (یعنی همت) که می‌تواند امور وجودی را بیرون از جایگاه خود بیافریند: «یعنی عارف با همت خود می‌تواند چیزهایی خلق کند نه در خیال خود یا در خیال دیگران، بلکه در عالم واقعی» (بلخاری قهقی، ۱۳۹۴، ۳۱۹). آنچه در امر تبیین مبانی نظری هنر اسلامی و کشف حلقه مفقوده میان هنر اسلامی و مبانی عرفانی بسیار مهم و راهگشاست، توان یا ناتوانی عارف در خلق صور یا آفرینشگری صورت‌هاست. اگر این فرضیه تأیید شود که عارف می‌تواند با خرق حجب و تصفیة دل و تزکیه جان به عوالم فراتر از حس گذر کرده و صور نورانی و متعالی ممکنات را نظاره کند و به هنگام بازگشت به عالم حس با ضبط و حفظ صور آنها را خلق مجدد کند، آنگاه می‌توان صور نیمه‌تجربیدی هنر اسلامی به‌ویژه تزئینات معماری، تذهیب و خوشنویسی را بازتاب صور معلقه در روح هنرمند عارف دانسته و با کالبدشکافی آن معیاری برای رمزگشایی هنر اسلامی و کشف ریشه‌های متعالی آن به دست آورد (همان، ۳۱۷ و ۳۱۸). براین اساس هر حکیم، عارف و هنرمندی در سیر صعودی خود از عالم حس به عالم مثال، باطن موجودات را کشف و در سیر نزولی خود آنها را بازآفرینی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت هنر و ادبیات اسلامی بازنمایی طبیعت نیست، اما بازنمایی و عالم خیال است که به شکلی نمادین در اثر ثبت و ضبط می‌شود (پهلوانیان، ۱۳۹۴، ۵۷).



تصویر ۳. سلسله مراتب وصول به باغ دل در معماری. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۲. استخراج مقولات معماری از بحث فتوت به روش کدگذاری. مأخذ: نگارندگان.

مقاله	زیرمقاله	برچسب / کد	جملات کلیدی - ترک حواس	نظام تأثیرگذار
	تذکر	تذکر	در بینش عرفانی اهل فتوت، تفکر مسبوق به تذکر، لازمه هنرمندشدن است، یعنی مقدمه فکر، ذکر است. ذکر است که فکر را به جنبش می آورد، پس هنرمند اهل تذکر است (پازوکی، ۱۳۸۶، ۷۱).	
	تفکر مسبوق به تذکر	تذکر	در فتوت نامه بنیایان در باب «ذکر» نیز آمده است: اگر پرسند که چون بر سر کار روی، کدام آیه از کتاب خدا را قرائت کنی؟ بگو که این کلام خداوند را که می فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (قرآن کریم، سوره نجم، آیه ۳۹) و اگر پرسند چون خشت نیمه کنی چه خوانی؟ بگویی: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (قرآن کریم، سوره مؤمنون، آیه ۱۴)	ذکر
	قرائت ذکر حین کار	دل صافی	تذکر یافتن خود مسبوق خالی داشتن دل از غیر است. یعنی مثل داستان رومیان و چینیان دل از زنگار غیر خالی و پاک شود. آن وقت است که دل می تواند پذیرای صور شود و صورتها را در خودش منعکس کند.	تذکر
	طهارت درونی	شجاعت	تواضع اول مرتبه از مراتب شجاعت است، چنانکه نفس را مغلوب عقل گردانی (خانمحمدی، ۱۳۷۰)	
	تواضع	فروتنی	تواضع و شجاعت اکرام دوستان و یاران است و اعزاز کسانی که به مال و جاه فروتر از او باشد و به فضیلت مساوی یا برتر.	
	تواضع	بی ریایی	فتی نباید دچار نفاق و دورویی شود. یعنی برای اینکه کمالی را در خارج متحقق کند، باید این کمال در خود او متحقق باشد، چرا که هنر حقیقی مستلزم نوعی صدق و اخلاص است.	صدق و اخلاص
	عدم دورویی	آرامش	قال الله تعالی «أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۸۲) این صفتی است که همگان را لازم است و اهل این حرفه را (معماری) خاص. آن را نجات نیز خوانند. امن اطمینان خاطر، آرامش درون و طمأنینه.	امن
	امن	یقین	علم الیقین و رؤیت قلبی است که از فرط صفا به طریق نظر و استدلال راه یابد و سبیل کشف حجاب بنده را روی نماید.	هدایت
	هدایت	کشف غیب	حیا به خصوص بنیایان را به کار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند.	
	حیا	چشم پاک	اگر پرسند که چند اصل است بنایی را، بگو که پنج اصل است ... سوم با حیابودن و نظر از غیر برداشتن.	
	حیا	عدالت	وقتی می توان از فتوت و مروت سخن به میان آورد که همه عوامل شر مهار شده و نیروهای خیر و نور چیرگی یافته و فضیلت و عدالت و نجابت مصداق پیدا کرده باشد.	مروت

حال این ذکر که به دنبالش تفکر حاصل می شود، باب علم حضوری را به قلب عارف هنرمند می گشاید و او را به اصل اصل می رساند. از شروط دیگر برای نائل آمدن به مرتبه ترک حواس، «ریاضت» است. نتیجه سعی عارف در ذکر گویی و تحمل ریاضات، «تزکیه و تهذیب نفس» اوست. در این مقام است که چشم سوم (مقام شهود) برای او بینا می شود و دلش در نتیجه صیقل یافتن و ترک ماسوی، صور مثالی را در خود منعکس می کند و وی با رجوع به دل و درون نگری، آنچه نادیدنی است را می بیند.

مراتب سلوک، ترک و تعطیل حواس مادی است که نظامی نیز در شعر باغ دل به آنها اشاره کرده است (جدول ۳).

- پیش نیازهای ترک حواس و سلوک عرفانی

تعطیل حواس شروطی دارد، نظیر ذکر گویی، مراقبه، ریاضت و غیره که قابل تطبیق با مقوله فتوت و تذکار بوده و در ادامه در جدول ۴ به نحوه انطباق زیرمقولات این بحث، با شعر باغ دل نظامی اشاره شده است.

«ذکر گویی» که مقدمه تفکر و اندیشه است، جزو اصول اساسی اهل فتوت و اصناف (که هنرمندان ذیل آنها هستند) است.

جدول ۳. اشعار نظامی در خصوص مرتبه اول؛ ترک حواس. مأخذ: نگارندگان.

مقوله اصلی	شعرهای مرتبط (از سایر بزرگان)	شعر خلوت دل نظامی	انطباق با مفاهیم فتوت
- مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا - ترک حواس - عروج - سلوک	ز شهر تن نکنی دل به ملک جان نرسی بر این جهان ننهی پا بر آن جهان نرسی حسیض نفس زمین و آسمانست ذروه عشق تو پای بست زمینی به آسمان نرسی (جامی، ۱۳۷۸، ۸۲۱) دین عاشق، عشق و تجرید و فناست مذهبش تفرید و ترک ماسوی است (لاهیجی، ۱۳۶۸، ۶۷) خفته از احوال دنیا روز و شب چون قلم در پنجه تقلیب رب (مولوی، ۱۳۷۹، ۱۰۶)	آب درین آتش پاکت چراست باد جنیبت کش خاکت چراست خاک تب آرنده به تابوت بخش آتش تابنده به یاقوت بخش دور شو از راهزنان حواس راه تو دل داند دل را شناس چون علم لشگر دل یافتم روی خود از عالمیان تافتم (نظامی، ۱۳۹۹، ۲۰)	- تزکیه - ریاضت - ذکر - صدق و اخلاص - حیا - تواضع - هدایت یافتن - مروت

شرح و تفسیر: نظامی معتقد است حواس ظاهری، راهزن و گمراه کننده آدمی هستند و دل، رهبر و راهنمای راه است و از طریق شناخت دل است که آدمی از قفس تن رهایی یافته به عالم برین و عرش پرواز می کند (ناصری تازه شهری، ۱۳۸۴، ۱۷۵).

جدول ۴. اشعار نظامی در خصوص شروط ترک عالم ماده و رسیدن به مقام سلوک. مأخذ: نگارندگان.

ریزمقولات	شعرهای مرتبط (از سایر بزرگان)	شعر خلوت دل نظامی	انطباق با مفاهیم فتوت
ذکر	که چون در دل شود حاصل تصور نخستین نام وی باشد تذکر (شبستری، ۱۳۸۶، ۹۴) ذکر آرد فکر را در اهتزاز ذکر را خورشید این افسرده ساز (مولوی، ۱۳۷۹، ۷)	خون جگر با سخن آمیختم آتش از آب جگر انگیختم (نظامی، ۱۳۹۹، ۲۰)	ذکر گویی هنرمند حین انجام کار: اگر پرسند چون خشت نیمه کنی چه خوانی؟ بگوی: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» ^۱ (قرآن کریم، سوره مؤمنون، آیه ۱۴)

شرح و تفسیر: سالک ریاضت را از خواجه دل پذیرفته از نفسانیات پرهیز کرده و طبق دستور پیر طریقت، به وسیله ذکر دل، به تربیت نفس پرداخته است.

ریاضت	شعرهای مرتبط (از سایر بزرگان)	شعر خلوت دل نظامی	انطباق با مفاهیم فتوت
	همچو آهن آهنی بی رنگ شو در ریاضت آینه بی رنگ شو (مولوی، ۱۳۷۹، ۳۹۵) آن ها که طلبکار خدا/بید خدا/بید بیرون ز شما نیست شماید شماید خواهید که بینید رخ اندر رخ معشوق زنگار ز آینه به صیقل بزدا بید (مولوی، ۱۳۷۹، ۳۷۰)	بر در مقصوره روحانیم گوی شده قامت چو گانیم گوی به دست آمده چو گان من دامن من گشته گریبان من فرق به زیر قدم انداختم وز سر زانو قدمی ساختم (نظامی، ۱۳۸۱ الف، ۲۱)	شاگرد سال های متوالی نزد استاد به انجام کارهای دشوار می پرداخته تا وجودش به ریاضت صیقل یافته است و در مراتب اهل فتوت، ارتقا (کمر بسته) یابد

شرح و تفسیر: شاعر سال ها در گوشه عزلت عبادت کرده، بر سر دو زانو نشسته، در محراب روحانی و مراقبت دل، قامت خمیده اش به شکل حلقه در آمده و ذکر گفته تا به شهود رسیده و دلش آینه اسرار الهی شده است. وی می گوید: «بر سر زانو نشستن های من، دل مرا به آینه ای بدل ساخت که اسرار غیبی را مشاهده کردم و چشم سر بستم و چشم دل گشودم».

تزکیه	شعرهای مرتبط (از سایر بزرگان)	شعر خلوت دل نظامی	انطباق با مفاهیم فتوت
	آنکه او بی نقش ساده سینه شد نقش های غیب را آینه شد (مولوی، ۱۳۷۳، ۱۲۸) خوبش را صافی کن از اوصاف خود تا ببینی ذات پاک صاف خود (مولوی، ۱۳۷۹، ۳۹۵) پس چو آهن گرچه تیره هیکل صیقلی کن صیقلی کن صیقلی تا دلت آینه گردد بر صور اندر هر سو ملیحی سیمبر (مولوی، ۱۳۷۳، ۵۸۶)	آب درین آتش پاکت چراست باد جنیبت کش خاکت چراست خاک تب آرنده به تابوت بخش آتش تابنده به یاقوت بخش (نظامی، ۱۳۹۹، ۲۰)	شاگرد باید شروط عام نظیر عقل داشتن، سلامت جسم، دین داشتن و سایر موارد و شروط خاص را شامل صدق و اخلاص، مروت، حیا و هدایت، که از تزکیه نفس او حاصل می شد، کسب می کرد.

شرح و تفسیر: در تفسیر این بیت از شعر نظامی گفته شده است: اگر آبی (آبرو) داری بر در دل ریز و قصه دل بگو و بدان دل می تواند راه حق را به تو نشان بدهد و این همه بدان معنی است که به ذکر دل مشغول باش و از راه دل معراج کن (ثروتیان ۱۳۸۳، ۱۱).

ریزمقولات	شعرهای مرتبط (از سایر بزرگان)	شعر خلوت دل نظامی	انطباق با مفاهیم فتوت
بی‌هنری	در دست مرا چون هنری نیست همان به بر حضرت او عرضه دهم بی هنری را آباد شدم از نظر پیر خرابات نازم روش رندی و صاحب نظری را (اصفهانی، صغیر، بی، تا) جمله استادان بی اظهار کار نیستی جویند و جای انکسار هر کجا این نیستی افزون تراست کار حق و کارگاهش آن سراسر (مولانا به نقل از گولپینارلی، ۱۳۷۹، ۲۲۵)	من به قناعت شده مهمان دل جان به نوا داده به سلطان دل گفت فرود آی و ز خود دم مزین ورنه فرود آرمت از خویشتن (نظامی، ۱۳۹۹، ۲۲)	نتیجه رعایت موارد ذکر شده و رسیدن شاگرد به مقام استادی: نامعلوم بودن نام هنرمند (Artless) آمدن اسم معمار با تواضع

شرح و تفسیر: منشأ اصلی هنر نیستی و بی‌هنری است. هر استادی که بیشتر در این کارگاه نیستی وارد شده باشد، کارگاه هنری اش سری تر و لذا هنری تر خواهد بود. اما اگر هنوز هستی و نفسانیت داشته باشد مثل کاغذی است که رویش نوشته‌اند و دیگر کسی بر کاغذ نوشته شده مطلبی نمی‌نویسد (پازوکی، ۱۳۹۶، ۷۳).

• مرتبه دوم: آینه شدن دل هنرمند

این مرحله به معنای مستعد شدن قوه خیال هنرمند جهت قبول صور مثالی است. سالک هنرمند بعد از طی مبادی اولیه و آموزش‌های پیر و استاد و تحمل ریاضت‌ها و سایر شروط مسیر (گشتم از آن خواجه ریاضت‌پذیر...) وجودش صیقل یافته به مراتب فرامادی صعود می‌کند. در این مرحله کشف و مشاهدات غیب برای وی ممکن شده و به مقام بی‌هنری نائل می‌آید.

- اعتبارسنجی مرحله دوم و سوم با استناد به شعر «باغ دل» حکیم نظامی گنجوی

عارف با ذکر گویی و ریاضت و تزکیه و در نتیجه، تعطیل حواس وارد وادی سیر و سلوک می‌شود که نتیجه آن حصول به عالم مثال است. این عالم که منفصل بوده و قائم به ذات است، در نتیجه بالفعل شدن قوه خیال هنرمند و درون‌نگری اوست. نتیجه این درون‌نگری به صورت درون‌گرایی در تمامی هنرهای شرقی به خصوص معماری اسلامی تجلی یافته است. در شعر نظامی نیز، عارف پس از پایان ریاضت و پشت سر نهادن مراحل دشوار مذکور، دوباره متولد و به همراهی دل، به باغی بسیار زیبا وارد می‌شود. در این بخش از سیر درونی نظامی، «باغ» نیز همچون سایر عناصر، کارکردی کاملاً نمادین دارد و نماد بهشت گمشده‌ای است که بازگشت به آن آرزوی بشر و منتهای تلاش اوست. این باغ از جلوه‌های سرزمین ناخودآگاهی شاعر به‌شمار می‌رود که تنها پس از تزکیه نفس و انجام ریاضت‌های دشوار می‌توان به آن دست یافت (جدول ۶).

• مرتبه سوم: تجلی صور مثالین (باغ درون) در قوه خیال هنرمند

در مرحله بعد به مقوله بعدی طرح یعنی «عالم مثال و خیال؛ منشأ شکل‌گیری هنر و معماری سنتی» پرداخته شده است. روح و نفس هنرمند معمار در مقام استاد عارف، پس از طی مراتب به عالم مثال صعود می‌کند و مشاهدات غیبی در دل و جان او تبلور می‌یابند. در جدول ۵ با استناد به مهم‌ترین جملات کلیدی این بحث و کدگذاری جملات، مقولات قابل تحلیل این بحث استخراج شده‌اند.

جدول ۵. استخراج مقولات معماری از بحث عالم مثال به روش کدگذاری. مأخذ: نگارندگان.

تأثیرگذار نظام	جملات کلیدی - عالم مثال	برچسب / کد	زیرمقوله	مقوله
عالم خیال جایگاه خلق هنر سنتی	در فرهنگ اسلامی، عالم هنر و هنرمندی عالم خیال است (باوندیان، ۱۳۸۹، ۷۹).	- تخیل		
	در هنر دو قوه تخیل و احساس دخالت دارند و به همان اندازه که این دو نیروی عظیم (به خصوص نیروی خیال که یکی از عظیم‌ترین نیروهایی است که خداوند آفریده و عالم خیال که یکی از وسیع‌ترین عوالم هستی است) در ماهیت هنر دخالت دارند، پیچیده می‌شود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۱، ۳۶۳).	- نیروی خیال - مرتبه مثال - عالم مثال و خیال	عالم مثال	
	هنرهای شرقی آدمی را به مرتبه مثال و خیال فرامی‌خوانند (ریخته‌گران، ۱۳۸۵، ۲۵۰).	خیال	باغ درون	
کشف، مواجهه با باطن است. باطن و سر انسان توان کشف و شهود را دارد، در این صورت برای حصول کشف و شهود باید سیر باطن کرد و یک‌به‌یک مراتب روحانیت را پیمود.	طبق آیه «و لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۷)، هنرمند با چشم دل خود می‌تواند این حقایق ملکوتی و این «مثل اعلی» را در کل عالم وجود مشاهده کند و با بیان هنری که در حقیقت همان بیان تمثیلی و صورت تنزل یافته حقایق قدسی است، آن را به نمایش بگذارد.	- چشم دل - شهود - مراجعه به درون	دل (درون‌نگری)	

جدول ۶. اشعار نظامی و سایر بزرگان در خصوص بالفعل شدن عالم خیال در قوای هنرمند. مأخذ: نگارندگان.

مراحل سلوکی	اصطلاحات	شعرهای مرتبط (از سایر بزرگان)	شعر خلوت دل نظامی	انطباق با مفاهیم هنر مثالین
مرحله اول: رسیدن به مقام شهود	- چشم مشرقی - دیانه - مشرق وجود	چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید ز باغ عارض ساقی هزار لاله برآید نسیم در سر گل بشکند کلاله سنبل چو از میان چمن بوی آن کلاله برآید (حافظ، ۱۳۸۸، ۲۳۴) چشم دل باز کن که جان بینی آن چه نادیدنیست آن بینی (اصفهانی، هاتف، بی.تا)	پیشروان پرده برانداختند پرده ترکیب در انداختند لاجرم از خاص ترین سرای بانگ بر آمد که نظامی در آی خاص ترین محرم آن در شدم گفت درون آی درون تر شدم (نظامی، ۱۳۸۱ الف، ۲۱)	طبق نظر اندیشمندان چون نصر، بور کهپارت، شیمیل، هنر سنتی و معماری سنتی ایران، بر خواسته از عالم مثال و مرتبط با بالفعل شدن قوای خیال هنرمند است.
مرحله دوم: بخشنامه‌های هاتف	- هاتف - پیر درون - مراد - خواجه - هادی - دلیل - شیخ	بنده پیر مغانم که ز جهلم برهاند پیر ما هر چه کند عین عنایت باشد (حافظ، ۱۳۸۸، ۱۵۸) گر مریدی چنانکه رانندت بر رهی رو که پیر خوانندت از مریدان بی مراد مباش در توکل کم اعتقاد مباش (نظامی، ۱۳۸۱ ب، ۴۱) به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم که من به خویش نمودم صداهتمام و نشد (حافظ، ۱۳۸۸، ۱۶۸)	هاتف خلوت به من آواز داد وام چنان کن که توان باز داد خواجه دل عهد مرا تازه کرد نام نظامی فلک آوازه کرد هست ز یاری همه را ناگزیر خاصه ز یاری که بود دستگیر رایض من چون ادب آغاز کرد از گره نه فلکم باز کرد (نظامی، ۱۳۹۹، ۲۰)	در شعر و نگارگری نمود هاتف و خواجه درون به یاری کلمه و نقش قابل پیگیری است. در معماری به دلیل ممنوعیت برخی تصاویر، بازنمایی این کلیدواژه ملموس نیست و اگر نمودی داشته باشد به زبان رمز است.
شرح و تفسیر: سالکان طریقت داشتن پیر و مراد را لازمه سلوک می دانند که سالک با ارشاد این پیر، مقامات سلوک را پشت سر می گذارد و از تعلقات دنیوی و منیت رهایی می یابد. نظامی پیر طریقت خود را با نام های رایض و خواجه معرفی می کند که تربیت او را عهده دار می شود.	مرحله سوم: رسیدن به وادی دل	جام جهان نما دل انسان کامل است مرآت حق نما به حقیقت همین دل است (لاهیجی، ۱۳۶۸، ۸۶) هر دم که در صفای رخ یار نگرود گردد همه جهان به حقیقت مصورش چون باز در فضای دل خود نظر کند ببند چو آفتاب رخ خوب دلبرش (جامی، ۱۳۷۸، ۱۰۶)	آنکه اساس تو بر این گل نهاد کعبه جان در حرم دل نهاد تن که بود؟ ریزه مشتی گل است هم دل و هم دل که سخن در دل است بنده دل باش که سلطان شوی خواجه عقل و ملک جان شوی دست در آویز به فتراک دل آب تو باشد که شوی خاک دل (نظامی، ۱۳۸۱ الف، ۲۱)	درون گرایی در معماری شامل موارد محصوریت و عدم دید از بیرون به داخل، عرصه بندی فضاها به عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی، شکست محورهای دسترسی، نیل به وصول با مکت و تأمل و الگوی دسترسی پیچیده است.
شرح و تفسیر: نظامی در سیر عارفانه خود معرفت و شناخت حقیقت را با خلوت و توجه به دل کسب کرده است و دل را کعبه روح و جان می داند که با بندگی دل، آدمی سلطنت و اقتدار می یابد. وی آبرو و اعتبار آدمی را در دل می داند که باید چنگ در فتراک دل زد و خاک راه شد چرا که نور معرفت با توجه به دل به دست می آید، دلی که صورت و جان طفیلی آن می کنند.	مرحله چهارم: کشف و شهود در باغ درون	هین خمش کن خار هستی را ز پای دل بکن تا ببینی در درون خویش گلزارها (مولوی، بی.تالف) اندر آ در باغ بی پایان دل میوه شیرین بسیارش نگر (مولوی، بی.تاب) باغها و میوهها اندر دل است عکس لطف آن بر این آب و گل است (مولوی، ۱۳۷۳)	خواجه گریبان چراغی گرفت دست من و دامن باغی گرفت من چو لب لاله شده خنده ناک جامه به صدجای چو گل کرده چاک لاله دل خویش به جانم سپرد گل کمر خود به میانم سپرد (نظامی، ۱۳۸۱ الف، ۲۲)	باغ در معماری به دو صورت طبیعی در چارباغ و حیاط ابنیه سنتی و به صورت تجریدی و نقوش اسلامی تجلی می یابد که علاوه بر ملاحظات کالبدی، از منظر حکمی بازنمایی صور خیال است.
شرح و تفسیر: سرانجام از شهر دل شاعر، خواجه برون آمده و گریبان چراغی را گرفته به باغی می برد. این باغ، باغ معرفت است و گلها و سبزه های آن با کلمات ما بیان می شود ولیکن از عالمی دیگر است.	تجزیه و تحلیل «تجلی باغ درون» در معماری			

در فضایی منفک شده از روزمرگی ها و مسائل دنیوی می کند (فضای مرکزگرا، متقارن و متعادل، سیال، شفاف و سایر موارد)^۱. فضایی که مخاطب در آن به حالت تفکر و تعمق، سکون و مراجعه به درون نزدیک می شود و این همان سیر از آفاق به انفس است که در

معمار با اتکا به اصل سلسله مراتب و آیتم های مربوط به آن (جلوخان، هشتی، دالان و سایر موارد) مخاطب را در جهت بازگشت به حالت فطری یاری می رساند و او را طی مراتبی آماده قرارگیری

نتیجه‌گیری

هنرهای سنتی ایران نظیر نگارگری، فرش، تذهیب، معماری، شعر و ادبیات، وجه و سرچشمه مشترکی دارند و دلیل آن با استناد به فتوت‌نامه‌ها، جاری‌بودن هنر در بستر تصوف و عرفان و عارف‌بودن هنرمند است. هنرمند نیز به معنای سنتی کلمه، عارفِ حکیمی است که سعی می‌کند حقایق غیبی را که کشف و شهود کرده، عینیت

فضای درون‌گرای معماری میسر شده است. در ورای این درون‌گرایی بنا و طی سلسله‌مراتب توسط مخاطب، آنچه در بطن و کانون بنا نمایان می‌شود، باغ است که یا به‌صورت باغ طبیعی در حیاط اندرونی خانه‌ها، سرای بازار یا چارباغ یا نقوش اسلیمی در محراب و سطوح داخلی مساجد، شاه‌نشین منازل و سایر فضاها نمایان می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷. سیر وصول به باغ (طبیعی/ تجریدی) در ابنیه سنتی ایران به‌واسطه شاخصه‌های درون‌گرایی. مأخذ: نگارندگان.

نام بنا	سادگی بیرون بنا	شاخصه‌های درون‌گرایی (سلسله‌مراتب)	وصول به باغ در درون بنا
خانه‌های سنتی ایران (به‌طور کلی)			
	سطح بیرونی ساده و عاری از تزئینات	درون‌گرایی (نتیجه سلسله‌مراتب)	باغ طبیعی (باغچه) در کانون بنا (حیاط اندرونی)
کاروانسرای عباسیان - کاشان			
	سطح بیرونی ساده و عاری از تزئینات	دالان از اجزای شکل‌دهی سلسله‌مراتب	باغ تجریدی در سطوح داخلی بنا
شرح و بحث	همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیرون بنای خانه‌های تاریخی ایران، به‌سادگی تمام، اما آنچه در درون بنا شکل گرفته، شامل تزئینات اسلیمی، چهار باغ درون حیاط و... است که از منظر حکمی اشراق‌یافته از بینش عرفانی هنرمند است.		
باغ فیض کاشان			
	سطح بیرونی ساده و عاری از تزئینات و عدم دید از بیرون به درون	درآی‌گاه از اجزای شکل‌دهی سلسله‌مراتب	باغ طبیعی
شرح و بحث	این تصاویر نشان‌دهنده سادگی تمام و کمال وجه بیرونی و نمود باغ و آبادی و تزئینات از جمله نقوش اسلیمی در درون است. در میان عارفان نیز به حکم آیه «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» ^{۱۱} (قرآن کریم، سوره ذاریات، آیه ۲۱) راه رسیدن به مقصود از طریق سیر در انفس است.		
مسجد جامع تبریز			
	سطح بیرونی ساده و عاری از تزئینات	درگاه و جلوخان جهت سلسله‌مراتب	باغ تجریدی
شرح و بحث	وجه بیرونی در کمال سادگی و بی‌پیرایه بنا شده است، لیکن درون مسجد نقوش اسلیمی و تزئیناتی تجلی یافته است که نمی‌توان آنها را صرفاً جهت تزئین و فضاسازی دانست، چرا که در این صورت وجه بیرونی نیز باید شامل نقوشی هر چند مختصر می‌شد. این درونگرایی و دعوت به درون، از نظر حکمی نشأت‌یافته از اندیشه بانی و سازنده و نشان از عالم بی‌نشان دارند.		

این درون‌گرایی بنا و طی سلسله‌مراتب توسط مخاطب، آنچه در بطن و کانون بنا نمایان می‌شود، تجلی باغ، به‌صورت باغ طبیعی یا تجریدی (نقوش اسلیمی و گیاهی) است. انسان دارای ابعاد جسمی و روحی است و معمار جامعه سنت با در نظر گرفتن هر دو بعد انسانی اقدام به ساخت بناها می‌کرد این بناها از طرفی تأمین‌کننده آسایش جسمی بوده و باشند در فضا را از نظر شرایط اقلیمی و مخاطرات جانی حفظ می‌کرد و از طرفی محیطی منفک‌شده از هیاهوی جهان مادی بود و مأمنی برای تعمق، تفکر و بازگشتن به حالت فطری می‌شد تا مخاطب مدتی از روزمرگی‌ها آسوده شده است و به غایت و اصل آفرینش بیندیشد. سودمندی و کاربرد موضوعاتی این چنین در فضای آکادمیک معماری بدین جهت است که بازنسازان اصول غنی و ریشه‌های فکری پیشینیان، معماران آتی جامعه ایران را در جهت احداث و خلق فضاهایی که علاوه بر آسایش جسمی و نوآوری‌های تکنولوژی، مکانی با هدف رشد و تعالی روح و انسان‌سازی باشد، رهنمون می‌سازد و معماری طبیعت‌گرای سنتی ایران با شرط علم به ریشه‌های حکمی آن، بهترین الگو برای خلق چنین فضاهایی است. همچنین این پژوهش تلنگری به جامعه فرهیختگان معماری ایران است تا نسلی از معماران متعهد و آشنا به اهداف والای معماری ایرانی که به دانش روز معماری نیز تسلط دارند، پرورش دهند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

در این طرح علل تجلی متداوم صور گوناگون باغ در معماری از منظر عرفانی بررسی شده است. از سه حوزه پیوسته و مرتبط با هم، یعنی «پیوند عالم هنر و عرفان»، «عالم مثال جایگاه مرتبه سلوک عارف و محل مشاهدات کشفی وی» و «حوزه بازنمایی این مشاهدات توسط هنرمند و چگونگی آفرینش هنری» حوزه اول و دوم به دلیل این که امکان سیر اثبات‌گرایانه هر سه موضوع در قالب یک مقاله نمی‌گنجد، به‌صورت پیش‌فرض مدنظر قرار گرفته است. برخی متغیرها نیز همانند تأثیر اقلیم، شرایط سیاسی و اجتماعی ذیل متغیر کنترل معین شده است و بررسی اثر آنها برای تکمیل پژوهش‌ها در این حیطه، پیشنهاد می‌شود. همچنین چگونگی تبلور مفهوم باغ درون در سایر هنرهای شرقی و تفاوت این هنرها از نظر این مضمون با هنر عالم غرب ادامه تحقیقات در این باره را می‌طلبد.

بخشیده و در عالم خارج محقق سازد. در سلوک عرفانی، هنرمند با خودشناسی آگاهانه و مراقبت، تزکیه و تهذیب نفس، منازل و مراحل این مسیر سلوکی را طی کرده به مرحله کشف و شهود می‌رسد. سالک این طریق را با همراهی استاد صنف و البته راهبری درونی، طی می‌کند که از آن به «هاتف» یا «خواجه درون» یاد می‌شود. در این درون‌گرایی انوار حق بر او تجلی می‌یابد و او که عاشق حُسن و جمال الهی شده، به مرتبه وصال عارفانه و ملاقات زیبای حقیقی نائل می‌آید. هنرمند در این وادی «بی‌هنر» شده است و این حُسن تجلی یافته بر وجودش را به طرقتی در اثر هنری‌اش نمود می‌دهد. این سیر و سلوک در عالم مثال طی می‌شود. عارف که حواس باطنی و از جمله خیالی‌اش را از عالم ماده عبور داده، قادر است به عالم انفسی و عالم مثال راه یابد و از این طریق تصاویر و حقایق امور عالم بالاتر را در دل خود در یابد و درک کند. دیدارهای عاشقانه عارف در مراحل سیر و سلوک در باغ درون رخ می‌دهد و مکان این دیدار فضای باغ دل است و به همین دلیل است که عارف هنرمند خاطره شهود و دریافت‌های خود را با تجلی باغ (طبیعی یا تجریدی) و با تمهید درون‌گرایی به تصویر می‌کشد. لذا باغ تجلی‌یافته در هنرهای سنتی ایران از منظر حکمی نشأت‌یافته از سیر و سلوک عرفانی هنرمندان این حیطه‌اند، باغ واحدی بوده و هنر سنتی، بازنمایی و نمودگار باغ مثالی و عالم مثال و خیال هستند. این «باغ» که نموده‌های مختلفی در هنرهای مذکور دارد، صرفاً جهت فضا سازی و تزئین نبوده و با لحاظ پشتوانه فکری و حکمی عرفانی، بستر تحقق و شکل‌گیری این هنرها است. هنرمند عارف در زمینه معماری، صور مثالی را توسط نقوش اسلیمی و همچنین باغ طبیعی (چارباغ) به منصفه ظهور می‌رساند. برای حصول به این باغ، در تناظر با سیر مراتب وجودی توسط عارف و سیر از آفاق به انفس (ظاهر به باطن)، باشند در بنا نیز باید مراتبی را طی کند که این امر توجیه‌کننده اصل سلسله‌مراتب و درون‌گرایی در معماری است. در واقع معمار با اتکا به اصل سلسله‌مراتب^{۱۲} و آیتم‌های مربوط به آن مخاطب را در جهت بازگشت به حالت فطری یاری می‌رساند و او را طی مراتبی آماده قرارگیری در فضایی منفک‌شده از روزمرگی‌ها و مسائل دنیوی می‌کند. فضایی که مخاطب در آن به حالت تفکر و تعمق، سکون و مراجعه به درون نزدیک می‌شود و این همان سیر از آفاق به انفس است که در فضای درون‌گرای معماری میسر شده است. در ورای

پی‌نوشت‌ها

۵. و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؟
۶. آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است.
۷. ایمنی تنها از آن آن‌هاست؛ و آن‌ها هدایت یافته‌گان‌اند.
۸. آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است.
۹. در آسمان‌ها و زمین نمونه والای هر صفت برتر از آن اوست.
۱۰. در رساله دکتری با عنوان «تجلی باغ درون در معماری سنتی ایران» (نبئی، ۱۴۰۳)، به این موضوع به‌صورت تفصیلی پرداخته شده است.
۱۱. (نشانه‌هایی در عالم وجود است) و در خود شما، پس مگر نمی‌بینید.

- * این مقاله برگرفته از رساله دکتری «الهام نبئی» با عنوان «تجلی باغ درون در معماری سنتی ایران (با تأکید بر اثر باغ دل حکیم نظامی گنجوی)» است که به راهنمایی دکتر «سداله شفیع‌زاده» و مشاوره دکتر «شبنم اکبری نامدار» در سال ۱۴۰۳ در دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر انجام شده است.
۱. Positive
۲. مراقب خود باشید.
۳. عارف می‌تواند با همت خویش چیزهایی را نه در خیال خود یا در خیال دیگران، بلکه در عالم واقعی خلق کند.
۴. قبل از آنکه مرگ به سراغتان آید، بمیرید (هوای نفس خود را از بین ببرید)

نگرش مادی و عرفانی قابل بررسی است، لیکن به منظور عدم تفصیل بحث از پرداختن به جنبه مادی صرف نظر شد.

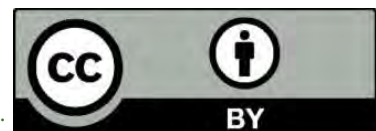
۱۲. ذکر این نکته ضروری است که اصل محرمیت از مهم ترین منظورهای معمار جهت ایجاد سلسله مراتب و درونگر کردن بناهای سنتی است، این اصل از دو منظر

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۰). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. ناس.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۱). ادراک خیالی و هنر. خیال، ۱۲(۱)، ۶-۱۱.
- ابن عربی، شیخ اکبر محی الدین. (۱۳۸۹). فصوص الحکم (تصحیح و ترجمه محمد خواجوی). مولوی.
- آذرفر، محمد. (۱۳۹۲). قوه خیال و عالم خیال: منشأ آفرینش اثر هنری در هنر اسلامی؛ مطالعه موردی: مسجد شیخ لطف الله (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/07cfbeefcbfd5713109d763ad9082a28/fulltext>
- استیرلن، هانری. (۱۳۷۷). اصفهان تصویر بهشت (ترجمه جمشید ارجمند). فرزانه روز.
- اصفهانی، صغیر. (بی تا). غزل شماره ۱۳. قابل دسترس در: <https://ganjooor.net/saghir/divan/ghazal/sh13>
- اصفهانی، هانف. (بی تا). ترجیع بند - که یکی هست و هیچ نیست جز او. قابل دسترس در: <https://ganjooor.net/HATEF/DIVAN-HATEF/TARJEEBAND>
- افندی، جعفر. (۱۳۸۹). رساله معماری؛ متنی از سده یازدهم هجری (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی). فرهنگستان هنر.
- باوندیان، علی رضا. (۱۳۸۹). نقش خیال در فرایند آفرینش هنری. اندیشه های نوین تربیتی، ۶(۱)، ۷۳-۹۴. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2010.198>
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. سوره مهر.
- بنی اردلان، اسماعیل. (۱۳۸۹). معرفت شناسی آثار صناعی، جستجویی در مفهوم فن و هنر. سوره مهر.
- پازوکی، شهرام. (۱۳۸۶). معنای صنعت در حکمت اسلامی: شرح و تحلیل رساله صناعیه میرفندرسکی. خردنامه صدر، ۴۸(۴)، ۹۵-۱۰۶.
- پازوکی، شهرام. (۱۳۹۶). حکمت هنر و زیبایی در اسلام. فرهنگستان هنر.
- پهلوانیان، احمد. (۱۳۹۴). بررسی تشبیه و تنزیه در هنر اسلامی با تکیه بر آراء ابن عربی و ملاصدرا در باب خیال (رساله دکتری منتشر نشده در رشته فلسفه اسلامی). گروه فلسفه و کلام، دانشکده تاریخ. مطالعات سیاسی، دانشگاه باقر العلوم، قم.
- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۳). شرح مخزن الاسرار نظامی گنجه‌ای. سبزان.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۷۸). دیوان جامی (مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاد). مرکز مطالعات ایرانی.
- حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۸۸). دیوان حافظ (به تصحیح بهروز ثروتیان). نگاه.
- حکمت، نصرالله. (۱۳۹۳). حکمت و هنر در عرفان ابن عربی (عشق، زیبایی و حیرت). فرهنگستان هنر.
- خانمحمدی، علی اکبر. (۱۳۷۰). فتوت نامه بنایان. صفا، ۱۲(۱)، ۱۰-۱۵. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_99540.html
- خزایی، محمد. (۱۳۸۷). جایگاه اصناف فتوت در هنر ایران. کتاب ماه هنر، ۱۲۱(۱۸)، ۲۰-۲۰.
- ریخته گران، محمدرضا. (۱۳۸۵). انقطاع صورت: هنر و تحقق حقیقت. رواق هنر و اندیشه، ۳(۳)، ۵۴.
- سابتلنی، ماریا اوا. (۱۳۸۷). گلشن راز؛ باغ ایرانی و بیان شاعرانه عرفان (ترجمه داوود طباطبایی). گلستان هنر، ۴(۲)، ۳۴-۴۶. <http://golestanehonar.ir/article-1-197-fa.html>
- شبستری، محمود بن عبدالکریم. (۱۳۸۶). شرح گلشن راز (مقدمه، تصحیح و متعلقات ابراهیم سبزواری گلستانی). علم.
- شیخ الاسلامی، علی. (۱۳۹۵). خیال، مثال و جمال در عرفان اسلامی. فرهنگستان هنر.
- الشیخی، صباح ابراهیم سعید. (۱۳۹۹). اصناف در عهد عباسی (ترجمه هادی عالم زاده). دانشگاه تهران.
- صادقی دهلان، عادل. (۱۳۹۸). واقعیت مجازی و خیال در اندیشه ابن عربی. مطالعات دینی رساله، ۱(۲)، ۳۵-۶۶. https://jrsm.qomirib.ac.ir/article_105034.html?lang=fa
- عطار نیشابوری. (بی تا). فتوت نامه عطار. قابل دسترس در: <https://ganjooor.net/attar/fn>
- کاتب، فاطمه و شمیلی، فرنوش. (۱۳۹۱). آیین فتوت و نظام آموزشی هنرها و صنایع در ایران. پژوهش هنر، ۴(۴)، ۹۹-۱۰۸.
- کرین، هانری. (۱۳۶۳). آیین جوانمردان (ترجمه احسان نراقی). نشر نو (اصل اثر منتشره ۱۹۷۳).
- گولپینارلی، عبدالباقی. (۱۳۷۹). فتوت در کشورهای اسلامی (ترجمه توفیق هاشم پور سبحانی). روزنه.
- لاهیجی، محمد بن یحیی. (۱۳۶۸). اسرار الشهود فی معرفه الحق المعبود (به تصحیح علی آل داود). موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۲). بحار الانوار (به تصحیح هادیت الله مستر حمی و همکاران). دار احیاء التراث العربی.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (بی تا). غزل شماره ۱۳۲. قابل دسترس در: <https://ganjooor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh132>
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (بی تا). غزل شماره ۱۱۰۱. قابل دسترس در: <https://ganjooor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh1101>
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۳). مثنوی معنوی (به کوشش توفیق هاشم پور سبحانی). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۹). عرفان مثنوی (به کوشش و تصحیح مهدی انصاری قمی). امیر کبیر.
- میرفندرسکی، میرزا ابوالقاسم. (۱۳۸۷). رساله صناعیه (به تحقیق حسن جمشیدی). موسسه بوستان کتاب.
- ناصری تازه شهری، ناصر. (۱۳۸۴). تحلیل عرفان و تصوف در مخزن الاسرار نظامی. بهارستان سخن، ۳(۳)، ۱۶۶-۱۹۰.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۱ الف). کلیات حکیم نظامی گنجوی (به تصحیح حسن وحید دستگردی). بهزاد.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۱ ب). هفت پیکر (به تصحیح برات زنجانی). دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۹). مخزن الاسرار (به کوشش بهروز ثروتیان). میراثبان.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

نبئی، الهام؛ شفیخ زاده، اسداله و اکبری نامدار، شبنم. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی تجلیات باغ عرفانی در معماری سنتی ایران و شعر خلوت دل حکیم نظامی گنجوی. منظر، ۱۶(۶۸)، ۶-۱۷.



DOI: 10.22034/manzar.2024.446719.2280

URL: https://www.manzar-sj.com/article_202121.html?lang=fa